



۶ ژوئیه ۲۰۰۹



حلقه پاک!»!

کاهش شاخص بورس در غرب باعث افزایش علاقه بعضی‌ها به «دمکراسی» در ایران و فوران حماقت غلامان ایرانی‌نمای‌شان در غرب نظیر پاسدار محسن سازگارا و شرکاء شده. اینان می‌پندارند که مردم ایران دوران طفولیت سیاسی را طی می‌کنند، و هنوز هم می‌توان برنامه براندازی را با توسل به شیوه تولید و پرورش «شهید» سازمان داد. به همین جهت با «صدوریدن» بیانیه‌های لبریز از بلاهت از مردم می‌خواهند درگیری با بسیج را به مساجد و مراسم مذهبی بکشانند!

«[شاهروزی گفت] نظام قضائی ما [...] نظام موفق است [...]»
اگر این اندازه زندانی نداشته باشیم تا این حد نامنی نخواهیم داشت [...]»

منبع: کیهان، مورخ ۴ آذرماه سال ۱۳۸۷ به نقل از وبلاگ رامین مولائی.

دلیل اعدام‌های وحشیانه «تأمین امنیت» ما مردم است! پس جای نگرانی نیست به ویژه که پاسدار سازگارا برای بزرگداشت سالگرد کودتای ناکام ۱۸ تیرماه یک بیانیه گوساله‌پسند «صدوریده»، و میرحسین موسوی هم برای پیگیری حقوق مردم به «حلقه پاک» پیوسته، دفترودستیکی به راه خواهد انداخت که «حزب» خوانده می‌شود. برنامه حزب کذا هم فعلاً مشخص نیست! باید ببینیم مذاکرات اوباما با مدودف، تا چه حد دست انگلستان و فرانسه را برای تقویت طالبان در ایران باز خواهد گذاشت.

به دلیل قانون‌مداری گورکن‌ها، میرحسین موسوی، بجای پاسخگوئی در برابر دادگاه، «حزب» تشکیل می‌دهد! حزب کذا به دلیل برخورداری از حمایت لندن و پاریس، حزبی است «داسی - دینی»، یا بهتر بگوئیم تلفیق حزب انگلیسی توده است با فالانتهای جیره‌خوار کارخانه رجاله‌پروری. پیشتر روزنامه لوموند فرمان تأسیس چنین تشکل گوساله‌پسندی را تحت عنوان «تشکل دمکراتیک» صادر کرده بود. بله این آخرین شاهکار میرحسین موسوی برای تقویت پوپولیسم اسلامی، عوامگرایی و حفظ منافع ارباب در لندن و پاریس است. گفته می‌شود حزب کذا «سیاسی - مردمی» خواهد بود! نمی‌دانستیم حزب غیرسیاسی و ضد‌مردمی هم وجود دارد! ویژگی حزب کذا همچنانکه می‌توان حدس زد «ابهام» و «مردمی» بودن آن است. بگذریم!

در هر حال، مطالبات ما، مطالبات «گنگ» و «مبهم» ملت و مردم و توده‌ها یا همان تل فاقد هویت نیست. مطالبات ما مشخص و تعریف شده است. چارچوب مطالبات ما را «اعلامیه جهانی حقوق بشر» تشکیل می‌دهد، و به همین دلیل با اعمال خشونت مخالف‌ایم. در نتیجه از مدافعان واقعی دمکراسی می‌خواهیم از همراهی با آشوب‌طلبان و تهاجم به مراسم مذهبی حکومتی خودداری کنند. چرا که هدف چنین تحركات مزورانه‌ای تخریب جنبش مدنی و معرفی آن به عنوان یک حرکت «دین‌ستیز» است.

در وبلاگ «حماسه یک کودتا» گفتیم که پیوستن به صفوف طرفداران موسوی و تکرار شعارهای عزاداران حسینی، می‌تواند جنبش مدنی را به بیراهه خشونت بکشاند. به همچنین است ایجاد مزاحمت برای برپائی مراسم مذهبی. درست

است که ما به خرافات دین اعتقاد نداریم، ولی بسیاری از مردم اعتقادات دینی دارند و باید اعتقاداتشان محترم شمرده شود. ما با تهاجم به مراسم مذهبی حتی به مراسم مذهبی حکومتی و ایجاد اخلال در آن مخالف‌ایم. به پاسدار بی‌مقدار «سازگارا» و دیگر غلامان اکبر بهرمانی هم می‌گوئیم مردم ایران ابزار استقرار «حکومت دمکراتیک اسلامی»، مطلوب محفل «ریچارد پرل» نخواهند شد.

همانطور که گفتیم تغییرات واقعی در راه است، و محفل کودتای ۲۲ بهمن برای ایجاد راه بند در برابر این تغییرات است که دور باطل «آشوب و سرکوب» را با توسل به مضحکه انتخابات و تحریک افکار عمومی در کشور شتاب بخشیده. البته نقش بوزینه‌های مخالف‌نما در غرب را در اعمال این سرکوب همه جانبه نمی‌باید نادیده انگاریم. پس از کودتای ۲۸ مرداد، هر گاه حکومت دست‌نشانده غرب در ایران تضعیف شده، اعضای سازمان ناتو در داخل ایران آشوب به راه انداخته و در خارج مرزها در قفس مخالف‌نمایان را باز کرده «تظاهرات» به راه انداخته‌اند. این روزها همچنانکه شاهدیم بازار تظاهرات مخالف‌نمایان جمکران در غرب رونق فراوان دارد. چماقداران انجمن‌های اسلامی، کنیزکان و غلام‌بچگان سردارسازندگی، تیغ‌کشان نخبه عرصه «هنر» چاه جمکران، و ... و به ویژه اعضای سیرک پنتاگون بسیج شده‌اند تا مطالبات ملت ایران را در پس پرده جنجال و هیاهو به سکوت بکشاند. همچنانکه در بهمن ماه ۱۳۵۷ نیز دقیقاً چنین شد.

سران خائن ارتش هر چند اعلام «بی‌طرفی» کردند، راهگشای استقرار مشتی جنایتکار و روسپی سیاسی در رأس هرم قدرت شدند، کسانی که نخستین اقدام انقلابی‌شان سرکوب آزادی‌ها و بازگشت به تحجر اسلام بود. دوران نخست وزیر شیخ مهدی بازرگان یا همان «بهار عاظادی»، اعدام‌ها، تعطیلی روزنامه‌ها و دستگیری و اعدام نویسندگان را فراموش نکرده‌ایم. همه این جنایات به برکت «مردم همیشه در صحنه» یا بهتر بگوئیم به برکت اشغال خیابان‌ها توسط ماشالله قصاب‌ها و زهرا خانوم‌ها



امکانپذیر شد. اینان در تبلیغات حکومت، «مردم»، «ملت» و «امت» خوانده می‌شدند، حال آنکه هیچ ارتباطی با مردم ایران نداشتند. همچنانکه امروز «مردم» مورد اشاره میرحسین موسوی نیز هیچ ارتباطی با مردم ایران ندارد.

به گزارش نووستی، مورخ ۶ ژوئیه ۲۰۰۹، از پایگاه اطلاعاتی اعتمادملی، میرحسین موسوی در بیانیهٔ اخیر خود تأسیس یک حزب «سیاسی - مردمی» را به بنیوایان فرهنگی «مژده» داده. این همان حزب «داسی - دینی» است که از تلفیق حزب پوپولیست توده و فالانژهای «پیرو خط امام» ایجاد خواهد شد، حزبی «پاک» که با احزاب «نجس» همکاری نخواهد کرد. در حزب «پاک» چماقداران ارسالی از لندن همچون «ابوالفضل فاتح»، مسئول ستاد تبلیغات موسوی، و به ویژه وزیر اسبق نفت، بیژن نامدار زنگنه حضور به هم می‌رسانند.

پیشتر گفتیم که «برادر» بیژن، از طریق پری زنگنه، یک پا در محفل دلال اسلحه، «عدنان کشوقی» دارند و یک پا در محفل اسرائیل پرستان فرانسه از جمله برنار هانری لوی. خلاصه حزب کذا تمام ویژگی‌های بستنی «پاک» و فاشیسم «حزب جمهوری اسلامی» را داراست. بستنی‌های «پاک» که پیش از ظهور خردجال در ایران تولید می‌شد، مثل بستنی‌های ینگه دنیا، طعم کف صابون می‌داد. حزب جمهوری اسلامی که پس از ظهور خردجال، توسط آخوند بهشتی در ایران تأسیس شد، بر طبل «مردم» می‌کوبید. این حزب مانند «نهضت عاظادی» و حزب توده کارنامهٔ درخشانی دارد. تحمیل قانون اساسی توحش در سایهٔ جنجال‌های اشغال سفارت آمریکا، کودتای خزنده علیه بنی‌صدر و کشتار و سرکوب مخالفین از اهداف مردمی این حزب بود. افسوس که به دلیل شکست طرح تجزیهٔ ایران از طریق جنگ، اربابان حکومت اسلامی دلیلی برای وجود آیت‌الله بهشتی، امام جمعهٔ ارسالی ساواک به مسجد هامبورگ و رئیس دیوانعالی نظام مقدس ندیدند و حضرت آیت‌الله را در مقر حزب‌شان با یک تن مواد منفجره به ملاقات حوریان بهشتی فرستادند. بعد هم خمینی دجال تشکیل «حزب» را عامل «تفرقه» در میان «مردم» خواند و ایجاد هرگونه تشکل سیاسی را هم ممنوع کرد!

به مرور زمان در راستای تقسیم کاذب، یا همان تکثیر آمیبی، تشکل‌های پوشالی نظیر کارگزاران، اصولگرایان، اصلاح‌طلبان و مشارکت و اعتماد ملی به راه افتاد که همگی در واقع «موضع مشترکی» دارند: تحمیل مقدسات اسلام بر عرصهٔ سیاست جهت سرکوب مردم. تشکل نوین میرحسین موسوی هم خارج از این روند سرکوب نخواهد بود. موسوی جنایتکار در آخرین بیانیهٔ خود اعلام داشته:

«گروهی از نخبگان برآنند که گرد هم آیند و با تشکیل جمعیتی قانونی صیانت از حقوق مردم را پیگیری کنند ... اینجانب نیز به این جمعیت می‌پیوندم.»

بله در جمکران، احزاب و تشکل‌ها همه «معنوی» و پوچ‌اند، خلاصه بگوئیم، برنامهٔ «اقتصادی» ندارند، اساسنامه ندارند، و فقط شعار مبهم و ابلهانه تحویل ملت می‌دهند. پس کاملاً طبیعی است که میرحسین موسوی و شرکاء برای «پیگیری صیانت از حقوق مردم» از همین محافل تشکیل دهند، و در جایگاه قوهٔ قضائیه بنشینند تا آشوب پیرامون شبه‌انتخابات را از طریق «قانونی» تداوم بخشند. جالب اینجاست که نخبگان کذا به ویژه شخص نامدار زنگنه همچون میرحسین موسوی از جنایتکاران و چپاولگران ثروت‌های ملی است! بین خودمان بماند هیچکس در حد اینان برای صیانت از حقوق مردم «صلاحیت» ندارد. نووستی در ادامه به نقل از «اعتمادملی» می‌افزاید:

«موسوی در طول مناظره‌های خود بارها از حلقه‌ای نام برد [...] که نه تنها پاک هستند [...] که هیچگونه مشکل مالی - سیاسی نداشته‌اند. محمدرضا حسینی بهشتی، علیرضا حسینی بهشتی، بیژن نامدار زنگنه، ابوالفضل فاتح، قربان بهزادیان نژاد، علی عرب مازار [...]»



به موازات ملاقات «اوباما - مدودف» در مسکو، امروز «گوردون براون - سرکوزی» هم با یکدیگر در «اویان» ملاقات کردند! و خلاصه معلوم شد اوضاع سخت خراب است و براندازی و آشوب در ایران می‌تواند همچون دست مسیح، الاغ مرده «لازار» را جان دوباره بخشد. حداقل بعضی‌ها چنین می‌پندارند. ولی ما حضورشان عرض می‌کنیم، دوران تشکیل دمکراسی و سوسیالیسم «به نام خدا» به ویژه در ایران دیگر به سر رسیده. جنبش مدنی انسان محور است و بیگانه با شعارهای گنگ و متناقض استعماری.

می‌آیم، می‌آیم
و آستانه پر از عشق می‌شود
و من در آستانه به آن‌ها که دوست می‌دارند
و دختری که هنوز آنجا
در آستانه پر عشق ایستاده
سلامی دوباره خواهم داد

هیچکس نمی‌پرسد چرا «شبه‌انتخابات» ۲۲ خردادماه اینچنین مورد توجه بوق‌های استعماری قرار گرفته؟ اینهمه توجه برای این است که شوت‌وپرت‌ها نمی‌دانند، آنچه در رسانه‌ها پخش می‌شود همان است که «همه» می‌باید «بدانند!» و در این راستا آنچه همه باید بدانند، همان «طرفداری» ۴۰ میلیون ایرانی از حکومت توحش است، و خصوصاً پایمال شدن حق جنایتکاری به نام میرحسین موسوی. آنچه همه می‌توانند و باید بدانند این است که در حکومت توحش الهی انتخابات وجود دارد، و طی سه دهه این انتخابات در کمال سلامت برگزار شده، فقط از ۲۲ خردادماه به بعد ناگهان همه برای پایمال کردن حق حسین مظلوم «تقلب» به راه انداخته‌اند! اگر نه موسوی با آراء حدود سی میلیون ایرانی «نیست در جهان» تاجگذاری می‌کرد، و پرزیدنت اوباما دیگر در برابر روسیه چنته‌اش اینچنین خالی نمی‌ماند.

می‌بینیم که مضحکه ۲۲ خردادماه سخت به حال «پروپاگاندا» و تحریک افکار عمومی مسلمین «مفید» می‌نمود. در نتیجه همه رسانه‌های جهان غرب کودتای ۲۲ خرداد را در بوق و کرنا گذاشتند. می‌دانیم که هر چه برای پروپاگاندا رسانه‌ای سودمند باشد، برای چپاول نیز مفید خواهد بود. پیشتر گفتیم که هدف نهائی پروپاگاندا رسانه‌ای جنگ افروزی جهت سرکوب و چپاول است، و به همین دلیل است که «انتخابات» حکومت نوکری عموسام اینچنین با استقبال فراوان روبرو شده. در این گیرودار آنچه نصیب ما ملت شد، بازداشت، قتل و سرکوب هم میهنانمان، خشونت، تهدید و ارباب توسط حکومت منفور جمکران و اربابان‌اش بوده.

